

# سازمان عالی سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (سازمان آریان)

علیرغم اینکه در سال‌های اخیر ایران، خود با مسائل عظیم اقتصادی و اجتماعی درگیر بوده، اما همواره با اتخاذ سیاست درهای باز این امکان را به آوارگان کشورهای همجوار اعطا کرده است تا در ایران پناه بگیرند. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بر این نظر است که «دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در اعطای پناهندگی و حمایت و کمک رسانی به پناهندگان نمونه‌ی سلفه‌ای در تاریخ پناهندگی به جای گذارده که... به منزله امری استثنایی توصیف شده است»<sup>۱</sup>. در واقع نیز از سال ۱۳۵۸ تا امروز، ایران تقریباً به طور دائم میزبان حداقل دو میلیون پناهنده بوده و در دوره‌هایی این رقم به بیش از چهار میلیون بالغ شده است. در همین حیطه، مسائل پناهندگان و پناهندگی کمتر موضوع گفت‌وگو بوده است و به همین دلیل نیز تقریباً کوچکترین اطلاعی از تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حضور این افراد در کشور در دست نمی‌باشد. مقاله حاضر گام کوچکی است در جهت روشن کردن تأثیر حضور پناهندگان افغانی بر اقتصاد کشور.

ارقامی که در مورد پناهندگان افغانی در دست است، نشان می‌دهد که در آغاز سال ۱۳۷۱ نزدیک به ۲،۸ میلیون پناهنده افغانی در ایران زندگی می‌کردند. از این تاریخ، برنامه بازگشت این پناهندگان به افغانستان به شکلی جدی آغاز شد. علیرغم ادامه‌ی درگیری‌ها در افغانستان و نیز شرایط نامناسب این کشور برای جذب مجدد پناهندگان، تا امروز قریب ۱،۵ میلیون پناهنده افغانی ایران را ترک کرده‌اند. امروز نیز بازگشت این پناهندگان همچنان در اولویت برنامه‌های دولت در این زمینه قرار دارد. همچنین دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در جمهوری اسلامی

ایران نیز بازگشت داوطلبانهٔ این پناهندگان به کشورشان را در صدر برنامه‌های خود برای سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ میلادی قرار داده است. به طوری که برای سال ۱۹۹۵ اعتباراتی که به برنامهٔ بازگشت اختصاص یافته (۱۳،۷ میلیون دلار) برابر با کل اعتباراتی بود که به برنامه‌های عمومی تخصیص داده شده بود (۱۳،۸ میلیون دلار). در نتیجه انتظار می‌رود که تا پایان سال ۱۹۹۶ میلادی، شمار پناهندگان افغانی در ایران به حدود یک میلیون نفر تنزل کند. در عین حال شواهد بسیاری حاکی از این امر است که احتمالاً این تعداد باقی‌مانده به زودی، و شاید هیچوقت به افغانستان باز نخواهند گشت. با توجه به ادامهٔ درگیری‌ها در افغانستان و نیز میراث اسفبار یک دهه جنگ با ارتش شوروی، چشم انداز روشنی را برای بازگشت پیش روی پناهندگان نمی‌گشاید<sup>۲</sup>. به احتمال بسیار زیاد، کسانی که بتوانند از رفاهی هر چند محدود در ایران برخوردار باشند، تمایلی به بازگشت نشان نخواهند داد. تمامی پناهندگانی که شاغل هستند و یا آمیدی به یافتن شغل دارند در زمرهٔ این افراد می‌باشند. بررسی جوانب مختلف تأثیرات حضور پناهندگان در کشور و از آن جمله سهم آنان در امر سازندگی، زمینه را برای ادغام هر چه مناسب این افراد که می‌توان گفت اقلیتی را در ایران تشکیل خواهند داد، فراهم خواهد آورد.

بنا بر اطلاعات موجود، پراکنده‌گی جغرافیایی پناهندگان افغانی در ایران ابعاداً همگون نبود. قریب به نیمی از پناهندگانی که در طول این سال‌ها به ایران آمدند، در دو استان مرزی شرق کشور یعنی خراسان و سیستان و بلوچستان اسکان گزیدند. استان خراسان به تنهایی محل سکونت حدود ۸۰۰ هزار افغانی بوده است. از این عدد، کمتر از ۱۰٪ در میمانشهرها (اردوگاه) سکونت داشته‌اند و باقی جذب شهرها و بخصوص مراکز استان‌ها شده‌اند.<sup>۳</sup> زمانی که به در صد تراکم پناهندگان نسبت به جمعیت ایرانی تعدادی از شهرها توجه کنیم، این ناهمگونی چشمگیرتر می‌شود. بیش از بازگشت، یک سوم ساکنین زاهدان را پناهندگان افغانی تشکیل می‌دادند و این رقم در قریب تمام به

### پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



۵۰٪ نزدیک می‌شود. روشن است که یک چنین تغییراتی در جمعیت، مشکلات عدیده‌ای را در زمینه اذغام و کمک‌رسانی پیش می‌آورد که خالی از عکس‌العمل‌های منفی و گاه شدید از جانب ساکنین نیست. اما این وضعیت‌های تقریباً استثنایی که باعث تمرکز توجه مسئولان محلی و کشوری و بین‌المللی به این مناطق بوده است، نباید به این بیانجامد که مسئله پناهندگی و پناهندگان فقط از این درجه مورد ارزیابی قرار گیرد. تعمیم مشکلاتی که این مناطق با آنها روبرو بوده‌اند به کل کشور، اشتباهی بزرگ خواهد بود. تراکم پناهندگان در سایر مناطق کشور به مراتب کمتر است و اکثر آن نیز شهرهایی را شامل می‌شود که فعالیت اقتصادی نسبتاً پویایی بخصوص از آغاز دوران بازسازی کشور داشته‌اند. در یزد نسبت افغانیان به ایرانی‌ها ۱۴٪، در کرمان ۱۰٪، در بندرعباس ۹٪ است و اراک و تهران و اهواز به ترتیب با ۳٪، ۲،۵٪ و ۱٪ در زمره این شهرها هستند.<sup>۲</sup>

ارزیابی تأثیرات حضور پناهندگان افغانی بر اقتصاد ایران با مشکلات عدیده‌ای روبروست که اولین و مهمترین آن، کمبود یا حتی فقدان آمار و ارقامی است مربوط به تعداد پناهندگان شاغل، سطح دستمزدها، نوع زندگی، الگوی مصرف و... مشکل دوم از آنجا ناشی می‌شود که اکثر تحقیقاتی که در زمینه تأثیر اقتصادی مهاجرین بر کشور میزبان انجام شده است مربوط به کشورهای توسعه یافته است. نتیجه این تحقیقات آن است که در مجموع، مهاجرت تأثیر مثبتی بر اقتصاد کشور میزبان داشته است. دستمزد پایین، سخت‌کوشی کارگران مهاجر و عدم استفاده این کارگران از پوشش‌های تأمین اجتماعی از جمله عواملی هستند که سطح سرمایه‌گذاری برای انجام هر کار تولیدی را با استفاده از کارگران مهاجر، پایین می‌آورد و در نتیجه رغبت به این سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. در ایران نیز کارفرمایانی که در رشته‌های ساختمان‌سازی، سدسازی و دامداری با آنان مصاحبه شد، همگی بر صدق همین مسئله در ایران نیز تأکید کردند. دستمزد پایین تر کارگران افغانی به نسبت کارگران ایرانی (حداقل ۳۰٪ تفاوت)، ساعات بیشتری که به علت ماندن در محل، به کار اختصاص می‌دهند و حضور منظم تر را این کارفرمایان به عنوان ویژگی مثبت کارگران افغانی ذکر کرده‌اند. در برخی از موارد بخصوص در ارتباط با پروژه‌های سدسازی در خوزستان، کارفرمایان حضور این کارگران را شرط پیشرفت کار دانستند.

اما وجود تفاوت‌های عمده میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، تعمیم نتایجی را که در مورد کشورهای توسعه یافته یادآور شدیم به کشورهای در حال توسعه و از آن جمله ایران را دشوار می‌سازد. اولین تفاوت در حوزه تأثیر دستمزدها بر سرمایه لازم برای اقدام به شروع کار است. دستمزد کارگران به عنوان یکی از عوامل تولید در کشورهای پیشرفته تأثیر زیادی بر کل مخارج و در نتیجه بر قیمت تمام شده دارد. این مسئله به تمامی رشته‌های تولیدی در کشورهای در حال توسعه قابل تعمیم نیست. اگر در کشاورزی، آجرپزی و دامداری، دستمزد، بخش عمده‌ای از مخارج را تشکیل می‌دهد، در رشته‌های ساختمان‌سازی و سدسازی تأثیر دستمزد چندان نیست. بخصوصی در

سال‌های اخیر با توجه به افزایش سرسام آور قیمت مصالح و ثابت ماندن نسی دستمزدها، این تأثیر کمتر نیز شده است. علاوه بر این از آنجا که کارگران افغانی عمدتاً متصدی کارهای غیر تخصصی هستند، تأثیر اختلاف دستمزد آنان با کارگران ایرانی باز هم کمتر می‌شود. تفاوت دیگری که باید در نظر گرفته شود در زمینه استفاده از امکانات تأمین اجتماعی است. هر چند قوانین کار و تأمین اجتماعی در ایران نسبتاً پیشرفته هستند و با چشم انداز دفاع از کارگران تدوین شده‌اند، در عمل و بویژه در فعالیت‌های تولیدی مانند کشاورزی، آجریزی و دامداری هنوز چندان اجرا نمی‌شوند. در نتیجه در این رشته‌ها و از نظر پرداخت کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی، تفاوتی بین کارگر ایرانی و افغانی وجود ندارد. آخرین مسئله‌ای که باید به آن اشاره کرد، پرداخت یارانه به ارزاق پایه در ایران است. یارانه‌ای که چون به تولید کننده پرداخت می‌شود، همه مصرف‌کنندگان اعم از ایرانی و خارجی را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب هر چند که به دلایلی که در خطوط بعد به آن اشاره خواهیم کرد، حضور کارگران افغانی در ایران مطمئناً تأثیر مثبتی بر اقتصاد کشور گذاشته است، اما برای ارزیابی دقیق این تأثیر در رشته‌های مختلف باید هر یک از این رشته‌ها جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

علیرغم فقدان اطلاعات دقیق در مورد پیمانندگان افغانی، امکان ارائه سنجشی کلی از عملکرد اقتصادی آنان در ایران وجود دارد. در این زمینه دو شیوه برخورد جهانشمول وجود دارد. شیوه اول محاسبه مبلغی است که در کل کشور برای استخدام کارگر خودی به جای کارگر مهاجر می‌بایست پرداخت می‌شد. نیمی از این مبلغ به عنوان درآمد حاصل از حضور کارگر مهاجر باید به درآمد ملی اضافه شود<sup>۵</sup>. این رقم را در آخر این نوشته محاسبه خواهیم کرد. شیوه دوم، محاسبه‌ای کیفیتی است و بر این ارزیابی استوار است که حتی در کشورهای که خود با مشکل کار روبرو هستند کارفرمایانی که کارگران غیرمتخصص استخدام می‌کنند و نیز کارفرمایانی که کارشان به تعداد کارگر زیاد نیاز دارد، از حضور کارگران مهاجر غیرمتخصص منتفع می‌شوند. همچنین هر چقدر مهاجرینی که در شرایط

## پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پرتال جامع علوم انسانی

کاری هستند جواتر باشند، بیشتر به کشور میزبان خویش منفعتی می‌رسانند. زیرا بر نیروی تولیدی می‌افزیند و مخارج چندانی را به دلیل استفاده از امکانات تأمین اجتماعی در بر ندارند<sup>۹</sup>. با توجه به این دو معیار، لازم است ارقامی را در ارتباط با جمعیت‌شناسی پناهندگان افغانی یادآور شویم: ۱۰/۸ درصد پناهندگان دهسال یا کمتر سن دارند، حدوداً ۱۲ درصد بین ده و بیست سال، ۳۷ درصد بین بیست و سی، ۲۰ درصد بین سی و چهل، ۱۰ درصد بین چهل تا پنجاه سال، ۱۰ درصد بالای پنجاه سال.

اگر برآیندگی سنی بین ده و سی ساله‌ها و همچنین بین سی تا پنجاه ساله‌ها را یکدست فرض کنیم و سنی را که کارگر در آن نیاز کمتری به تأمین اجتماعی دارد را بین ۱۵ تا ۳۵ سال فرض بگیریم، ۶۸ درصد پناهندگان افغانی کارگرانی هستند که مخارج اجتماعی‌شان به مراتب کمتر از توان تولیدی‌شان است. علاوه بر این حدود ۶۰ درصد این پناهندگان بدون خانواده یعنی به تنهایی در ایران به سر می‌برند. ۹۲ درصد پناهندگان مرد هستند و زنان فقط ۸ درصد کل جمعیت پناهندگان را تشکیل می‌دهند. ۶۵ درصد آنها مجردند و ۳۵ درصد متأهل. بدین ترتیب به روشی دیده می‌شود که نسبت بسیار بالایی از پناهندگان در زمره گروه‌های جوانی هستند که از نیروی مولده بالا و هزینه‌های پائینی برای تأمین اجتماعی برخوردارند.

سطح نازل سواد پناهندگان افغانی باعث شده است که اکثر آنان همچون کارگر ساده در ایران به کار مشغول شوند. ۸۱ درصد افغانی‌هایی که به ایران پناهنده شدند، بی‌سواد بوده‌اند. به این دلیل است که ۷۵ درصد کل افغانی‌های شاغل، کارگر ساده هستند.

با توجه به آنچه در مورد معیار انتفاع اقتصادی کشور میزبان از وجود کارگران مهاجر گفته شد، آشکار است که حضور پناهندگان افغانی بخصوصی در دوره‌های سازشی کشور برای اقتصاد ایران مفید بوده است. بی‌دلیل نیست که از نادر دفعانی که مسئله پناهندگان مورد توجه مجلس قرار گرفت و



طرحی دو فوریتی مبنی بر جمع آوری مهاجران افغانی از سراسر ایران و اسکان آنها در مهمانشهرهای ویژه در مجلس عنوان شد، دولت که همواره در این زمینه سیاست سکوت مطلق را دنبال می کرد، لازم دید از زبان رابط خود با مجلس متذکر شود که «مهاجران افغانی در کشور ما بطور طبیعی جذب بازار کار شده اند و «نیروی کارگر مهمان» را بوجود آورده اند. کارگر مهمان همواره کار سخت تر و بیشتر را با قیمت ارزان تر ارائه می دهد، خارج کردن این نیروی کار از گردونه تولید و امثال آن بدون تردید آثار تورم زایی در اقتصاد ما خواهد داشت. بعید است در مقطع فعلی که دولت جناب آقای هاشمی تمام سعی خود را در شکستن سطوح بالای قیمت ها و مهار تورم بکار گرفته است. چنین اقدامی هیچ اثر مساعدی در برداشته باشد»<sup>۷</sup>.

با محاسبه تقریبی سهم فعالیت تولیدی کارگران افغانی در افزایش درآمد ملی، این بحث را به پایان می بریم. همانطور که گفتیم در سال ۱۳۷۱ حدود ۲/۸ میلیون پناهنده افغانی در ایران زندگی می کردند. عده بسیار قلیلی از این افراد (حدود ۸٪) در مهمانشهرها اسکان داشتند. باقی در شهرها و در کنار ایرانیان به کار و زندگی مشغول بودند. از این جمع حداقل ۷۵٪ شاغل بوده اند. زیرا فعالیت درآمدزا تنها راه تأمین معاش را برای این افراد تشکیل می داده است. در نتیجه در سال ۱۳۷۱ بین ۱/۸ و ۲ میلیون نفر افغانی در ایران شاغل بوده اند. اگر تفاوت مستمر این افراد با یک کارگر ایرانی را پنجاه هزار تومان در سال (حدود چهار هزار تومان در ماه) برآورد کنیم و مشارکت پناهندگان افغانی در درآمد ملی در سال ۷۱، برابر با ۴/۴٪ کل این درآمد بوده است.

بدین ترتیب آشکار می شود که پناهندگان افغانی نه فقط به دلیل سخت کوشی و پرکاری و قبول کارهای سنگین، سهمی اساسی در سازندگی ایران ایفا کرده اند، بلکه با کار خویش مشارکتی جدی در افزایش درآمد ملی نیز داشته اند.

صحیح گذاشتن بر این سهم چشمگیر، علاوه بر رعایت انصاف، زمینه را برای پذیرش این افراد در جامعه و ادغام هر چه بهتر آن بخشی از این افراد که در کشور ما خواهند ماند فراهم خواهد آورد.

کتابخانه

رتال جامع علوم انسانی

یادداشت

۱- «آشنایی با کمیساری عالی سازمان ملل در امور پناهندگان»، منتشر شده از طرف دفتر همین سازمان در تهران،

۱۳۷۲، ص ۵.

۲- دولت ایران نیز خود به خوبی به این وضعیت آگاه است. در کتابی با عنوان **پروسی جنبه های مختلف**

**حقوقی مسئله پناهندگان** (تهران ۱۳۶۹) که از طرف دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی منتشر شده است، آمده است: «نه سال جنگ داخلی با ارتش شوروی زیربنای اقتصادی و کشاورزی این کشور که تقریباً خودکفایی آن به مواد

غذایی را تأمین می‌کند، از بین برده است و لطافت سنگینی به برنامه‌های اکتشاف و صادرات گاز طبیعی وارد کرده است. علاوه بر این، مناطق افغانستان مملو از مین‌ها و گلوله‌های توپ منفجر نشده‌ای است که طی سال‌های آبی خطرات مهمی برای سکته این مناطق و آوارگانی که به کشور باز می‌گردند - خصوصاً کودکان - به همراه خواهد داشت (ص ۱۶۴ - ۱۶۵).

۳- گزارش وضعیت میهمانشهرهای آوارگان افغانی در استان خراسان، ص ۵، بی تا. (از آمار و ارقامی که در این گزارش آمده است، می‌توان حدس زد که تاریخ انتشار آن سال ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۱ است).

۴- تمامی این ارقام برگرفته از بررسی وضعیت آماری جمعیت آوارگان افغانی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. این جزوه توسط اداره کل امور اتباع و مهاجرین، وزارت کشور، منتشر شده است. تهیه کننده: فرهاد باریکانی، تاریخ انتشار ۱۳۷۱.

5- George J. Borjas, "The Economic Benefit from Immigration", Journal of Economic Perspectives, vol.9, N.2 Spring1995. pp.3-22.

6- Migrants, Refugees and International Cooperation, International Conference on Population and Development ICPD1994.

- L.A. Kosinski (Ed) Impact of migration in the receiving countries, International organization For migration IOM, Geneva1994.

۷- محمد جواد لاریجانی، «مهاجران افغانی در اردوگاهها»، اطلاعات، ۹، ۶۸، شماره ۱۸۹۱۳.

کتابخانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی